

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Identifying Culture-led Regeneration Strategies in Historical Districts of
Iranian Cities: The Case of Feizabad Neighborhood of Kermanshah
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

شناسایی استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا در محدوده‌های تاریخی شهرهای ایران؛ مورد مطالعه: محله فیض آباد کرمانشاه

فرناز ابراهیمی قربانی^۱، احسان رنجبر*^۲، علیرضا عندلیب^۳

۱. کارشناس ارشد طراحی شهری، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰

چکیده

بیان مسئله: تجربه‌های جهانی اخیر حکایت گر آن است که رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا نقش مهمی در ارتقاء کیفیت زندگی شهری به ویژه در محدوده‌های تاریخی- فرهنگی داشته است. در تجربه‌های شهری یک دهه اخیر ایران نیز با توجه به سابقه غنی فرهنگی، توجه به این موضوع رو به افزایش بوده است. یک تحلیل کل نگر به مطالعات موجود نشان می‌دهد فرایند روشنی برای شناسایی و تدوین استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا ارائه نشده و عمدتاً به دستاوردهای تجارب پرداخته شده است.

هدف پژوهش: دستاورد اصلی پژوهش ارائه فرایندی جامع در راستای چگونگی شناسایی استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا است، به گونه‌ای که اولویت‌های استراتژی‌ها براساس ماهیت محدوده تعیین می‌شود. روش پژوهش: مبتنی بر مورد پژوهشی محدوده تاریخی فیض آباد در کرمانشاه، به عنوان محدوده‌ای با دارایی‌های فرهنگی قابل توجه و تجربه پروژه‌های فرهنگی معاصر، این پژوهش ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی بوده و از تحلیل محتوا، تحلیل تفسیری-تاریخی و تحلیل چیدمان فضا جهت دستیابی به استراتژی‌های متناسب با محدوده بهره می‌گیرد. در فرایند شناسایی استراتژی‌ها، ابتدا براساس تحلیل ادبیات جهانی یک مدل مفهومی جامع در زمینه استراتژی‌ها و سیاست‌های کاربردی در بازآفرینی فرهنگ مبنا تدوین شده است. چهار گام تحلیل تحولات دارایی‌های فرهنگی، شناسایی پروژه‌های فرهنگی در محدوده و سپس سنجش تصویر ذهنی ساکنان نسبت به این پروژه‌ها، اولویت‌بندی استراتژی‌های مستخرج از مدل مفهومی براساس نظرات متخصصین و ساکنان و در نهایت مکان‌مند کردن استراتژی‌ها فرایند روشنی برای اتخاذ استراتژی‌های مناسب جهت بازآفرینی فرهنگ مبنا در محدوده تاریخی کرمانشاه و دیگر شهرهای تاریخی ایران فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری: مبتنی بر فرایند پیشنهادی این پژوهش در محله فیض آباد کرمانشاه چهار استراتژی نقش‌آفرینی بازیگران محلی، ارتقاء کیفیت محیط شهری، استفاده مجدد از ابنیه بارزش و ساختمان‌های کنار گذاشته شده و توسعه مختلط، در دسته اول اولویت قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: بازآفرینی فرهنگ مبنا، محدوده تاریخی، استراتژی‌های فرهنگ مبنا، کرمانشاه.

مقدمه

بازآفرینی شهری پدیدار شد و در سال‌های اخیر توانسته الگوهای مناسبی برای مداخلات از منظر سیاست شهری ارائه دهد (Landry, 2006). در واقع به‌زعم بسیاری از متخصصین، فرهنگ جهشی هوشمندانه نسبت به رویکردهای استاندارد برنامه‌ریزی شهری

رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا به دنبال گرایش به صنعت‌زدایی و فشارهای جهانی شدن، در ادبیات

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۸۱۳۵۹۵۷، e_ranjbar@modares.ac.ir

پیشینه پژوهش

بازآفرینی فرهنگ مینا به عنوان محرکی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی، مبحثی است که به طور گسترده در چند دهه اخیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (Evans, 2005; García, 2005; McCarthy, 2006; Vickery, 2007; Rahbarianyazd & Doratli, 2017). در دهه ۱۹۷۰ بر مبنای دو عامل جهانی شدن و تشدید فقر و تبعیض (Mollenkopf & Castells, 1991, 3)، سیاست‌های شهری به تحولات عظیمی در نظام‌های فکری و اقتصادی شهرهای جهان منجر شدند که دیگر تنها رشد اقتصادی مد نظر نبود، بلکه بازسازی جامعه و حس هویت محلی مورد توجه قرار گرفت (Lazarevi'ca, Koru'znjakb & Devetaković, 2016, 3-4). در چنین فضایی از سیاست شهری، آنچه توانست به عنوان یک محرک در عرصه اقتصاد و مدیریت شهری نقش بازی کند، سیاست‌های فرهنگی بود (Bayliss, 2004, 498; Griffith, 1995, 253). از همین رو طی دهه ۱۹۹۰، بعد از فرهنگ بازآفرینی شهری در بستر سیاست‌گذاری به شدت نمایان شد و شاهد جهت‌گیری شهرها به سمت سرمایه‌گذاری‌های گسترده در ساختمان‌های شاخص فرهنگی؛ شامل موزه‌ها، گالری‌های هنری، سالن‌های کنسرت و ... هستیم (García, 2004, 315).

مرور ادبیات بازآفرینی فرهنگ مینا حاکی از آن است که تعداد بیشتر پژوهش‌های انجام شده عمدتاً بر تعاریف و مفاهیم حوزه بازآفرینی فرهنگ مینا تمرکز دارند (Bassett, 2005; Evans & Shaw, 2004; Binns, 2005). در این بین از جمله مهم‌ترین صاحب‌نظرانی که به موضوع بازآفرینی فرهنگ مینا اشاره کرده است، «گریمی ایوانز» است. او در پژوهشی تحت عنوان «نقش فرهنگ در بازآفرینی بریتانیا، مروری بر شواهد» سه نوع الگو تحت عناوین «بازآفرینی فرهنگ مینا^۱»، «بازآفرینی فرهنگی^۲» و «بازآفرینی فرهنگ^۳» برای شرکت‌دادن عامل فرهنگ در بازآفرینی شهری معرفی کرده است (Evans & Shaw, 2004, 5). گروه دیگر پژوهش‌ها به معرفی تجارب صورت گرفته در این راستا پرداخته‌اند و استراتژی‌هایی را بر این اساس ارائه کرده‌اند (Bailey, Miles & Stark, 2007; Austin, 2012; Rius-Ulldemolins, 2014). دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها بر نقد بازآفرینی فرهنگ مینا تمرکز دارند و معتقدند که طرح‌های بازآفرینی فرهنگ مینا در دستیابی به برخی از اهداف خود ناموفق عمل کرده‌اند (Middleton & Freestone, 2008, 8). رتوس این انتقادات مواردی همچون دست‌یافتن به منافع کوتاه‌مدت (Evans & Shaw, 2004) و بی‌توجه بودن به نقش مشارکت

داشته و توانسته در ایجاد هویت شهری، دخیل شدن اجتماع محلی، جذب منابع و استعدادها نقش مهمی ایفا کند (Blessi, Tremblay, Sandri & Pilati, 2012, 398). نگاه به ماهیت فرهنگی-تاریخی شهرهای ایران نشان می‌دهد که این رویکرد ظرفیت‌های قابل توجهی جهت توسعه شهر ایرانی معاصر را داراست و در ادبیات ایرانی توسعه شهری کمتر به این مفهوم توجه شده است. از نیمه دهه ۷۰ شمسی با تأسیس شرکت عمران و بهسازی شهری ایران توجه به بافت‌های تاریخی در دستور کار مدیران شهری قرار گرفته و حجم قابل توجهی از پروژه‌ها در شهرهای مختلف ایران طراحی و اجرا شد. نگاه به این تجارب نشان‌گر آن است که با وجود همخوانی اولیه رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا با هویت تاریخی شهرهای ایران، عمده توجه به این موضوع در دهه ۹۰ شمسی بوده است. به ویژه زمانی که سیاست بازآفرینی در دستور کار دولت یازدهم قرار گرفت و به دنبال آن شرکت عمران و بهسازی شهری به شرکت بازآفرینی تغییر نام داد. نگاه به تجربیات ایرانی بازآفرینی با رویکرد فرهنگی نشان می‌دهد که ارزیابی‌های جامعی از میزان موفق بودن این پروژه‌ها صورت نگرفته و اسناد تدوین شده در ایران فرایند روشنی جهت انتخاب استراتژی‌های فرهنگ مینا با قدرت تحرک توسعه در بافت‌های تاریخی ارائه نمی‌دهند. همچنین نگاه اجمالی به ادبیات جهانی موجود در حوزه بازآفرینی فرهنگ مینا بیشتر دلالت بر اهمیت آن و یا جستجوی استراتژی‌ها و سیاست‌های پاسخگو از خلال بررسی تجربه‌های مختلف به ویژه در بستر شهرهای انگلیسی دارد. مجموع نوشته‌های موجود نشان نمی‌دهد که در تجربه‌های جدید چگونه باید استراتژی‌های مناسب و کارا را شناسایی کرده، به گونه‌ای که محرک توسعه شهری باشد.

لذا سؤال اصلی این پژوهش را بدین گونه می‌توان مطرح کرد: استراتژی‌های مناسب و کارا در بازآفرینی فرهنگ مینا در محدوده‌های تاریخی-فرهنگی چگونه شناسایی و دسته‌بندی می‌شوند؟ هدف اصلی این پژوهش ارائه روش‌شناسی جدید و فرایندی جامع جهت دستیابی به استراتژی‌های فرهنگ مینا است. بر این اساس اهداف فرعی پژوهش از یک سو ارائه مدلی جامع از استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مینا را شامل می‌شود و از سوی دیگر، از دریچه بررسی این مدل در محدوده فرهنگی-تاریخی شهر کرمانشاه، به عنوان یکی از شهرهای دارای پیشینه غنی فرهنگی در غرب ایران، یافته‌های تحلیل مدل را در راستای ارائه فرایند شناسایی استراتژی‌های مناسب و کارا در مسیر بازآفرینی فرهنگ مینا به کار می‌گیرد.

گونگون از سوی متخصصین شهری دنبال شده است. بنا به نظر «سایدیس و گروداچ»^۶ (۲۰۰۷)، سه دسته استراتژی فرهنگی قابل استخراج است؛ استراتژی‌های کارآفرینی^۷ که به دنبال رشد اقتصادی از طریق گردشگری، بهبود تصویر شهرها و سرعت بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی هستند، استراتژی‌های طبقه خلاق^۸ که به دنبال رشد اقتصادی از طریق بهبود کیفیت زندگی هستند و استراتژی‌های پیشرو^۹ که به دنبال گسترش میزان مشارکت در هنر و تولید فرهنگ محلی با استفاده از هنر برای تقویت هویت جامعه و احیای مناطق محروم هستند (Grodach & Loukaitou-Sideris, 2007, 354-355).

«بینز»^{۱۰} (2005) سه گونه رویکرد مداخله فرهنگی در شهرها را معرفی می‌کند: تولید فرهنگی^{۱۱}، که صنایع فرهنگی نقطه محرکی برای اقتصاد محلی است و از عوامل آن می‌توان به ایجاد خوشه‌های خلاق، توسعه زیرساخت‌های خلاق، تنوع کاربری‌ها و همکاری مؤثر بخش خصوصی و دولتی اشاره کرد. مصرف فرهنگی^{۱۲}، که احیای مراکز فراموش شده به کمک طبقه خلاق با کاهش صنایع تولیدی و توسعه اقتصاد فراصنعتی، به عنوان محرکی در بازتولید فضا را شامل می‌شود (Binns, 2005, 3-4) و مشارکت اجتماعی^{۱۳} که با دخالت و تعهد بازیگران مناطق مختلف اجتماعی و اقتصادی همراه است (Tomiuc, 2016, 152-153).

«گریفیتس»^{۱۴} نیز سه مدل استراتژی فرهنگی را بیان می‌کند، از جمله؛ ارتقای هویت مدنی^{۱۵} که در این مدل، پروژه‌های فرهنگی همراه با سایر اقدامات به عنوان عناصر کلیدی یک استراتژی برای احیای هویت و ایجاد قلمرو عمومی جامع و دموکراتیک مطرح می‌شوند. مدل صنایع فرهنگی^{۱۶} که در این رویکرد تمرکز بر صنایع فرهنگی-تجاری مانند صنایع سمعی و بصری، انتشار و طراحی مد بوده است و در آخر مدل تقویت‌کننده شهر^{۱۷} که تأکید اصلی بر هنر مصرفی به عنوان ابزاری برای جذب گردشگر (گردشگران فرهنگی، نمایندگان اجلاس‌های علمی و کسب‌وکار) است (Griffiths, 1995, 254-255).

در کنار سه مدل مطرح شده، متخصصین دیگر به استراتژی‌های ملموس‌تر و سیاست‌های بیان‌گر چگونگی کاربردی کردن این استراتژی‌ها اشاره می‌کنند، که در جدول ۱ بیان شده است.

بررسی تجارب بازآفرینی فرهنگ مبنا در گونه‌های مختلف (فضاهای شهری، پروژه پایتخت‌های فرهنگی، احیای سواحل، رودکناره‌ها و بنادر، هنر عمومی و مراکز فرهنگی)، شامل پروژه‌های شاخصی چون نیوکاسل و گیتزهد در انگلستان، منطقه تمپل بار دوبلین، شهر لیل در شمال فرانسه، محدوده گلدن هورن

و هویت محلی مردم (Keating & De Frantz, 2003) را شامل می‌شود. در حالی که موفقیت بازآفرینی فرهنگ مبنا را می‌توان با درجه‌ای که با هویت‌های محلی ارتباط دارد، مرتبط دانست (Bailey et al., 2007, 48-49, Sacco & Blessi, 2009, 1131). همچنین توجه به این موضوع که اغلب استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا، بیش از حد بر معماری امضادار بودن^۵ و جذب سرمایه‌گذاران ثروتمند از خارج، تأکید دارند (Austin, 2012, 2)، که تنها منجر به تکرار پروژه‌های خاص به صورت یک استاندارد می‌شوند (Hamnett & Shoval, 2003, 10; Mikulić & Petrić, 2014, 380). در واقع این استراتژی‌های فرهنگی، تقسیمات فضایی و جدایی اجتماعی را تقویت کرده‌اند و به فرهنگ محلی کمک نمی‌کنند (Pastak & Kahrik, 2016, 966). مبتنی بر نقدهای وارده بر استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا، باید به این نکته نیز توجه داشت که هر یک از این استراتژی‌ها در شرایط مختلف هر شهر باید مورد توجه قرار گیرند (Park, 2014, 41). چرا که بنا به (Evans 2005) بازآفرینی فرهنگ مبنا باید بر اساس تعامل با جامعه محلی برای بهبود مالکیت بر روی پروژه‌های فرهنگی و مزایای محلی باشد.

پژوهش‌های صورت گرفته در ایران حول محور بازآفرینی فرهنگ مبنا نیز عمدتاً در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی و بیشتر ترجمه متون غربی هستند و اغلب روش‌شناسی روشنی برای به‌کارگیری این رویکرد ارائه نشده است. با این وجود می‌توان به پژوهش لطفی (۱۳۹۰)، تحت عنوان «بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بُن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی»، که بدایتی بر مبحث اساسی بازآفرینی فرهنگ مبناست، اشاره کرد. همچنین پژوهش رنجبر و افسری (۱۳۹۶)، تحت عنوان «ارزیابی فرهنگی تجربیات بازآفرینی فضاهای شهری معاصر در شهرهای تاریخی ایران» از یک سو به اهمیت و سازگاری رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در شهرهای تاریخی ایران پرداخته و از سوی دیگر تجربه‌های معاصر ایران در شهرهای اصفهان، شیراز، بوشهر و گرگان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در پژوهش دیگری توسط صفدری، پورجعفر و رنجبر (۱۳۹۳)، تحت عنوان «بازآفرینی فرهنگ مبنا زمینه‌ساز ارتقاء تعاملات فرهنگی» به ارتباط نمادهای فرهنگی با تعاملات فرهنگی مردم از طریق ایجاد شبکه شهری در بافت تاریخی شهر مشهد پرداخته شده است.

مبانی نظری پژوهش

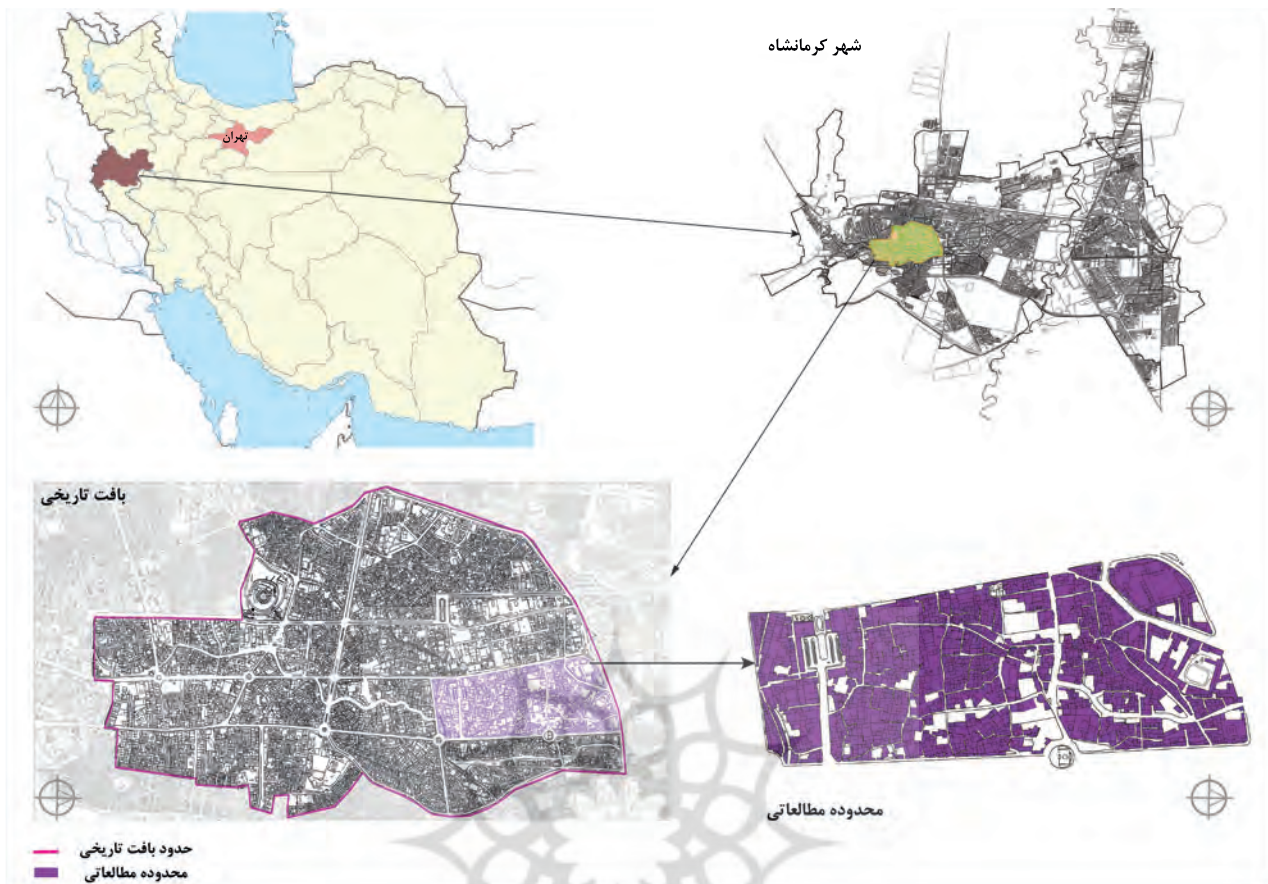
بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که طیف متنوعی از استراتژی‌ها و مدل‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا با واژه‌های

جدول ۱. استراتژی‌ها و سیاست‌های بازآفرینی فرهنگ‌مبنا. مأخذ: نگارندگان.

منبع	سیاست‌های کاربردی	استراتژی
Scott, 2000 ; Park, 2014; Yiwei, 2009-2010	- ایجاد یک تصویر برای شهر از طریق دارایی‌های فرهنگی	بازاریابی شهری و نام تجاری
Evans & Shaw, 2004	- بازتوسعه مبتنی بر املاک و مستغلات (به خصوص مکان‌های صنعتی و ساختمان‌ها) مراکز شهری و کناره‌های آب	ارتقاء کیفیت محیط شهری
Lee, 2012	- توسعه فضاهای عمومی قابل دسترس برای گروه‌های اجتماعی مختلف	
Evans & Shaw, 2004; Park, 2014	- احیاء ساختمان‌های صنعتی پیشین به منظور استفاده‌های فرهنگی - احیاء ساختمان‌های بدون استفاده مانند گالری‌ها، موزه‌ها، فضاهای نمایش، فضاهای کار برای اقتصادهای خلاق	استفاده‌های جدید از ساختمان‌های کنار گذاشته شده
Smith, 2006; Sargent, 2006; Park, 2014	- احداث مراکز خرید و فروشگاه‌ها - ایجاد پارک‌های عمومی و فضاهای شهری، ساخت کافه و رستوران	برنامه‌ریزی فعالیت‌های مصرفی، تفریحی-فراغتی
Evans & Shaw, 2004; Montgomery, 1995	- تعریف فضاهای چند منظوره	توسعه مختلط
Evans & Shaw, 2004; Wansborough & Mageean, 2010; Montgomery, 1995	- برنامه‌ریزی و مدیریت فعالیت‌های هنری و سرگرمی نظیر کافه‌ها، سینماها، تئاترها، اجرای موسیقی و استراتژی‌های حمل و نقل	توسعه اقتصاد شبانه
Smith, 2006; Montgomery, 1995 Gunay & Dokmeci, 2012	- تعریف یک مضمون (تم) فرهنگی - تعریف مسیرهای مجسمه‌سازی - ایجاد پارک‌های موضوعی، مضمون‌سازی هویت یک شهر	مضمون‌سازی
Cudny, 2014; Montgomery, 1995	- فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با هویت - رویدادهای اجتماعی مختلف مرتبط با فرهنگ و مذهب جوامع محلی - جشنواره‌های خیابانی و موسیقی محلی	برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و رویدادهای محلی و مردمی (میراث ناملموس)
Jones & Evans, 2008	- بهره‌برداری مجدد ساختمان‌های تاریخی در فهرست حفاظت	توجه به ظرفیت موجود عناصر تاریخی و ارزشمند (میراث ملموس)
Vickery, 2007; Yiwei, 2009-2010	- پروژه‌های بزرگ و معتبر شهری با طرح‌های خلاقانه، مانند موزه‌ها و نمایشگاه‌ها	برنامه ریزی تکیه‌گاه فرهنگی ^{۱۸} و ساختمان‌های امضادار ^{۱۹}
Vickery, 2007; Park, 2014	- پل‌ها و گذرگاه‌های طاق‌دار	مهندسی سازه‌های خلاقانه
Yiwei, 2009-2010; Wansborough & Mageean, 2010; Skot-Hansen et al., 2013	- نمایشگاه هنر و صنایع دستی، جشنواره‌ها و رویدادهای خیابانی، نمایش و تئاتر، هنرهای تجسمی، گردشگری فیلم و موسیقی، موزه و کتابخانه‌ها	افزایش کاربری‌ها و تسهیلات فرهنگی
Santos, 2014; Papanikolaou, 2012	- رویدادهای بزرگ مانند نمایشگاه‌های جهانی، بازی‌های المپیک، انجمن‌ها و نشست‌ها، فعالیت‌های ورزشی، جشنواره‌ها و برنامه پایتخت فرهنگی	برنامه‌ریزی رویدادهای بین‌المللی بزرگ مقیاس
Paiola, 2008	- همکاری نزدیک بین طیف وسیعی از بازیگران درگیر متعلق به بخش خصوصی، عمومی و داوطلبانه	نقش آفرینی بازیگران محلی در بازآفرینی شهری
Northall & Bradford, 2007	- توسعه صنایع مرتبط با تبلیغات، صنایع دستی، نرم‌افزاری، خدمات کامپیوتری، فیلم، طراحی، گرافیک، نشر، نمایش	افزایش صنایع خلاق و محصولات فرهنگی
Yiwei, 2009-2010	- اختصاص فضاهای کارگاهی به گروه هنرمندان	تشویق خوشه‌های فرهنگی ^{۲۰} و خلاق
Evans & Shaw, 2004; Vickery, 2007; Park, 2014	- ساخت المان و مجسمه‌های شاخص - طرح‌های مرتبط با هنر عمومی	توسعه هنر عمومی

با این حال مبتنی بر پراکندگی استراتژی‌ها و سیاست‌های کاربردی بازآفرینی فرهنگ مبنا تصویر ۱ تلاشی در راستای تجمیع استراتژی‌ها در قالب ۱۷ استراتژی عمده مطرح شده در منابع بازآفرینی فرهنگ مبنا است. هسته مرکزی این مدل بر مبنای پژوهش افسری بچستانی (۱۳۹۵) است که رویکردها و پروژه‌های بازآفرینی با مرکزیت فرهنگ را

در استانبول، میدان فدراسیون در ملبورن و مرکز فرهنگی ژرژ پمپیدو در فرانسه نشان می‌دهد که استراتژی‌های «استفاده‌های جدید از ساختمان‌های کنار گذاشته شده»، «کاربری‌ها و تسهیلات فرهنگی»، «برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و رویدادهای محلی و مردمی (میراث ناملموس)» و «توسعه مختلط» بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.



تصویر ۲. موقعیت محدوده پژوهش در شهر کرمانشاه. مأخذ: نگارندگان.

است. قاعدتاً طیف منابع تاریخی متنوع بوده و این مرحله خود می‌تواند پژوهش ویژه‌ای باشد، ولی نقشه‌های تاریخی می‌توانند مهمترین ابزار در این مرحله باشند. در گام دوم لازم است اگر سابقه‌ای از پروژه‌های فرهنگی در محدوده وجود دارد مورد ارزیابی قرار گیرد. قاعدتاً انجام ارزیابی از دریچه ذهن ساکنان نزدیک به مکان این پروژه‌ها به وضوح می‌تواند اثرات این پروژه‌ها در زندگی روزمره مردم را نمایان کند. این گام زمینه اولیه لازم برای شناسایی گونه‌های مداخله مؤثر بر توسعه محدوده را فراهم می‌کند. شناسایی پروژه‌ها از طریق تکنیک‌های تحلیل اسنادی، مطالعات میدانی و مصاحبه با متخصصین صورت می‌پذیرد و در سنجش تصویر ذهنی ساکنین مصاحبه و پرسشنامه کاراترین تکنیک است. نتایج این دو گام کمک می‌کند تا استفاده از مدل مفهومی تصویر ۱ در گام سوم بر واقعیت موجود محدوده منطبق شود. گام سوم انتخاب استراتژی‌های متناسب با محدوده از تعامل نظرات مردم ساکن و متخصصین آشنا با محدوده است. نتیجه این گام تدقیق و اولویت‌بندی استراتژی‌ها است. تکنیک‌های کمک‌کننده در این مرحله تکنیک دلفی و مصاحبه با ساکنین است. گام نهایی مکان‌مند کردن

بلا تکلیفی طولانی مداخله‌ها، زندگی شهری را هرچه بیشتر رو به افول برده است (کلهرنیا، ۱۳۸۰). از این رو این محدوده را می‌توان پرچالش‌ترین بخش بافت تاریخی کرمانشاه دانست.

همانگونه که در مقدمه بیان شد مهمترین چالش در ادبیات بازآفرینی فرهنگ مبنا عدم وجود یک فرایند روشن و مشخص در دستیابی به استراتژی‌ها متناسب با هر محدوده است. تصویر ۱ جمع‌بندی جامعی از استراتژی‌های اشاره شده در پژوهش‌ها و تجربه‌های موجود را نشان می‌دهد. برای انتخاب استراتژی‌های متناسب با هر محدوده براساس مدل تدوین شده لازم است روش‌شناسی جدیدی ارائه شود. در این روش باید ماهیت فرهنگی محدوده مورد مطالعه، ذهنیت مردم ساکن در محدوده نسبت به مداخلات فرهنگی و دیدگاه‌های متخصصین آشنا و مسلط به محدوده مورد مطالعه به صورت توأمان مورد بررسی قرار گیرد. گام اول این روش، شناسایی دارایی‌های فرهنگی محدوده و تحلیل تحولات آن‌ها در طول زمان بوده تا درک جامعی از ماهیت این دارایی‌ها به دست آید. روش تحلیل تفسیری-تاریخی براساس منابع تاریخی ابزاری کمک‌کننده در این گام

جدول ۲. پروژه‌های صورت گرفته مرتبط با فرهنگ در محدوده مطالعاتی. مأخذ: نگارندگان.

سال اجرا	نهاد متولی	گونه مداخله	نام پروژه
۱۳۸۰	سازمان مسکن و شهرسازی استان کرمانشاه	بهسازی عرصه‌های همگانی در بافت‌های تاریخی	مرمت تاریک بازار و سرپوشیده کردن آن
۱۳۹۴	اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمانشاه	نوسازی تک بناها در بافت‌های تاریخی	بهسازی و مرمت خانه جلیلیان
۱۳۹۴	اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمانشاه	نوسازی تک بناها در بافت‌های تاریخی	بهسازی و مرمت خانه رنده‌کش
۱۳۸۰	سازمان مسکن و شهرسازی استان کرمانشاه و سازمان تربیت بدنی	بهسازی عرصه‌های همگانی در بافت‌های تاریخی	آکادمی کشتی نشاط
۱۳۸۳	اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه و سازمان قدس رضوی	بهسازی عرصه‌های همگانی در بافت‌های تاریخی	دانشگاه فرهنگ و هنر و کتابخانه امام رضا (ع)

از ویژگی‌های شهرسازی قاجاری است که در کرمانشاه نیز همچون دیگر شهرهای ایران محقق شده است. همزمان با دوره پهلوی، فضاهای فرهنگی و گردشگری نیز توسعه یافت و شهر صاحب سه سینما (سینما ایران، سینما هما و سینما باربد) شد که سینما ایران و سینما هما در محدوده فیض‌آباد ساخته شدند (طرح ساماندهی بافت مرکزی شهر کرمانشاه، ۱۳۸۲). «سینما هما» پس از چندی فعالیت دچار آتش‌سوزی شد و دیگر بازسازی نشد. چند سال پس از آتش‌سوزی سینمای دیگری در فاصله‌ای نزدیک به مکان پیشین «سینما هما» به نام «سینما ایران» ساخته شد. با این حال پس از پیروزی انقلاب اسلامی این سینما به بازار طلای ایران تغییر کاربری داده است (تصویر ۶).

بر اساس مقایسه نقشه‌های بافت کهن با وضع موجود می‌توان چنین بیان کرد که عناصر ارزشمندی چون تکیه بیگلربیگی، مساجد (مسجد جلیلی، نظام و معتمد)، حمام نظام و ابنیه با ارزش موجود در محدوده در طول زمان پایدار بوده‌اند (تصویر ۷).

در تحولات دوره‌های بعد، بافت ساختار جدیدی پیدا می‌کند که دیگر جوابگوی فرهنگ و نیازهای ساکنین نیست (برومند سرخابی، ۱۳۸۸، ۱۷۴). در واقع علی‌رغم تراکم بناهای با ارزش در جای‌جای محدوده، شاهد عدم تطابق عناصر و بناهای قدیمی با نیازهای امروزی هستیم که به صورت فضاهای متروکه و بدون کارکرد در آمده‌اند.

در چند سال اخیر استفاده مجدد از ساختمان‌های دارای ارزش با دادن کاربری‌های جدید مورد توجه قرار گرفته است، از جمله آن‌ها خانه جلیلیان واقع در محله فیض‌آباد است که به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اختصاص داده شده و به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم ترویج و معرفی فرهنگ بومی استان کرمانشاه تبدیل شده است، تا کودکان و نوجوانان بتوانند در آن با گوشه‌های مختلف

و دخیل در پروژه‌های بافت تاریخی شهر کرمانشاه شامل: اعضای هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه، کارگزاران اداره کل میراث فرهنگی، شهرداری، اداره کل راه و شهرسازی و دفتر عمران و بهسازی استان کرمانشاه است. میزان اثرگذاری استراتژی‌های اشاره شده در تصویر ۱ بر ارتقاء کیفیت زندگی و احیاء بافت در قالب طیف لیکرت مورد پرسش قرار گرفته است. همین فرایند در ارتباط با ۳۳۴ نفر از ساکنین قدیمی محدوده صورت پذیرفته است. اولویت‌بندی استراتژی‌ها مبتنی بر تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS انجام شده است. گام نهایی مکانمند کردن استراتژی‌های برگزیده است. بر این اساس تحلیل چیدمان فضا در محدوده انجام شده و مکان‌های دارای اولویت جهت شروع فرایند بازآفرینی فرهنگ مبنا مشخص شده است.

بحث و تحلیل

• تحلیل تفسیری-تاریخی تحول دارایی‌های فرهنگی منابع تاریخی نشان می‌دهند که هسته اولیه شهر کرمانشاه از جمله محدوده فیض‌آباد در دوره صفویه شکل گرفته است. ارتباط تنگاتنگ این محدوده با ارگ حکومتی، مسجد جامع و سبزه میدان باعث شکل‌گیری هسته‌های اولیه بازار در آن شده است. مهمترین عنصر شاخص محله در این دوره مسجد فیض‌آباد است (تصویر ۴).

در دوره قاجار، تکایا و حمام‌های گوناگونی از جمله حمام نظام و تکیه فیض‌آباد ساخته و بنای بازار تجدید شد (برومند سرخابی، ۱۳۸۸، ۱۶۷-۱۶۹)؛ (تصویر ۵). اثرات بازار محله یعنی تاریک بازار در کنار مسجد در این دوره نمایان است. در این تصویر موقعیت محله فیض‌آباد در کنار دیگر دارایی‌های فرهنگی بافت تاریخی کرمانشاه نمایش داده شده است. مسجد و حمام مهمترین بناهای عمومی محله فیض‌آباد در این دوره هستند. رونق فضاهای عمومی محله‌ای

اختصاص داده شده است. تکیه بیگلر بیگی نیز به محل استقرار موزه خط و کتابت کرمانشاه و موزه پارینه سنگی زاگرس (در ردیف موزه‌های تخصصی جهان و نخستین موزه پارینه سنگی خاورمیانه) درآمده است.

• شناسایی پروژه‌های مرتبط با فرهنگ و سنجش تصویر ذهنی ساکنین نسبت به اثرات پروژه‌ها

پیشینه مداخلات در این محدوده به سال ۱۳۷۵ توسط شرکت مسکن‌سازان کرمانشاه بر می‌گردد و سیاست‌های ناظر بر اجرای این طرح در چهارچوب احیاء ارزش‌های بافت، تأمین امکانات و پاسخگویی به نیازها و حیات شهری ساکنان بافت تعریف شده است.

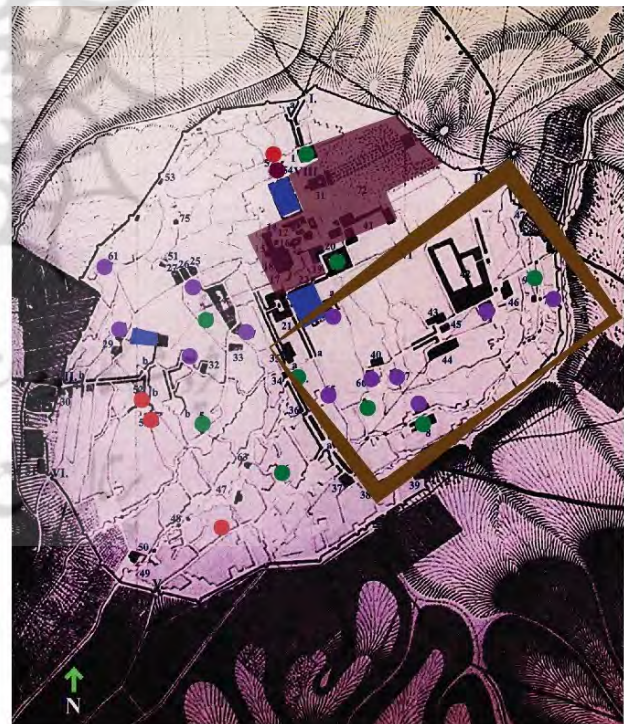
مطالعه اسناد بالادست مرتبط با محله فیض‌آباد همچون طرح بهسازی و نوسازی محدوده فیض‌آباد کرمانشاه، طرح تجدید نظر جامع شهر و طرح ساماندهی بافت مرکزی شهر کرمانشاه، نشان می‌دهد از سال ۱۳۸۰ تاکنون طیفی از پروژه‌های فرهنگی در بافت تاریخی مورد توجه قرار گرفته و پاره‌ای از آن‌ها اجرا شده‌اند. اجرای پروژه‌ها زمینه مناسبی جهت سنجش تصویر ذهنی ساکنین نسبت به تأثیر پروژه‌های فرهنگ مبنا در زندگی روزمره فراهم می‌آورد. پروژه‌ها در قالب دو گونه مداخله فرهنگ مبنا و پنج پروژه از جمله مرمت تاریک بازار و سرپوشیده‌کردن آن (بهسازی عرصه‌های همگانی در بافت‌های تاریخی)، به‌کارگیری مجدد خانه جلیلیان به عنوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و خانه رنده‌کش به عنوان خانه هنرمندان (نوسازی تک‌بنها در بافت‌های تاریخی) آکادمی کشتی نشاط، دانشگاه فرهنگ و هنر و کتابخانه امام رضا (ع) (بهسازی عرصه‌های همگانی در بافت‌های تاریخی) شناسایی شده‌اند که در جدول ۲ معرفی شده است.

همانگونه که در روش پژوهش مطرح شد، سنجش تصویر ذهنی ساکنین از اثرات پروژه‌های فرهنگ مبنا در یک پرسشنامه مبتنی بر طیف لیکرت و با استفاده از تحلیل کیفی و آمار توصیفی جهت تحلیل هر پروژه انجام پذیرفته است.

از میان پروژه‌های ارزیابی شده، خانه جلیلیان دارای تأثیر متوسط به بالا بر کیفیت زندگی در بافت بوده است. این موضوع به نوع کاربری جدید این خانه یعنی کانون پرورش فکری و فرهنگی کودکان و نوجوانان بر می‌گردد. همچنین دانشگاه فرهنگ و هنر و کتابخانه امام رضا (ع) اثرگذاری متوسط رو به زیاد از نگاه ساکنین داشته است. این دو کاربری به علت ارتباط نزدیک با زندگی روزمره طیف متنوعی از ساکنین و همچنین کمبود کاربری‌هایی از این جنس در درون یا اطراف محله از سوی مردم مؤثر شناخته شده‌اند. در مقابل سه پروژه دیگر در سطح اثرگذاری متوسط



تصویر ۴. نقشه شهر متعلق به دوران صفویه. مأخذ: نگارندگان براساس برومند سرخابی، ۱۳۸۸، ۱۶۸.



- حمام
- میدان
- مدرسه
- ارگ حکومتی
- مسجد

تصویر ۵. نقشه عناصر شاخص شهری بافت کهن در دوره قاجار (۱۸۵۰ م.). مأخذ: نگارندگان براساس برومند سرخابی، ۱۳۸۸، ۱۷۱.

زندگی خانواده‌های کرمانشاهی در روزگار قدیم آشنایی پیدا کنند و خانه رنده‌کش در همین محله که به خانه هنرمندان



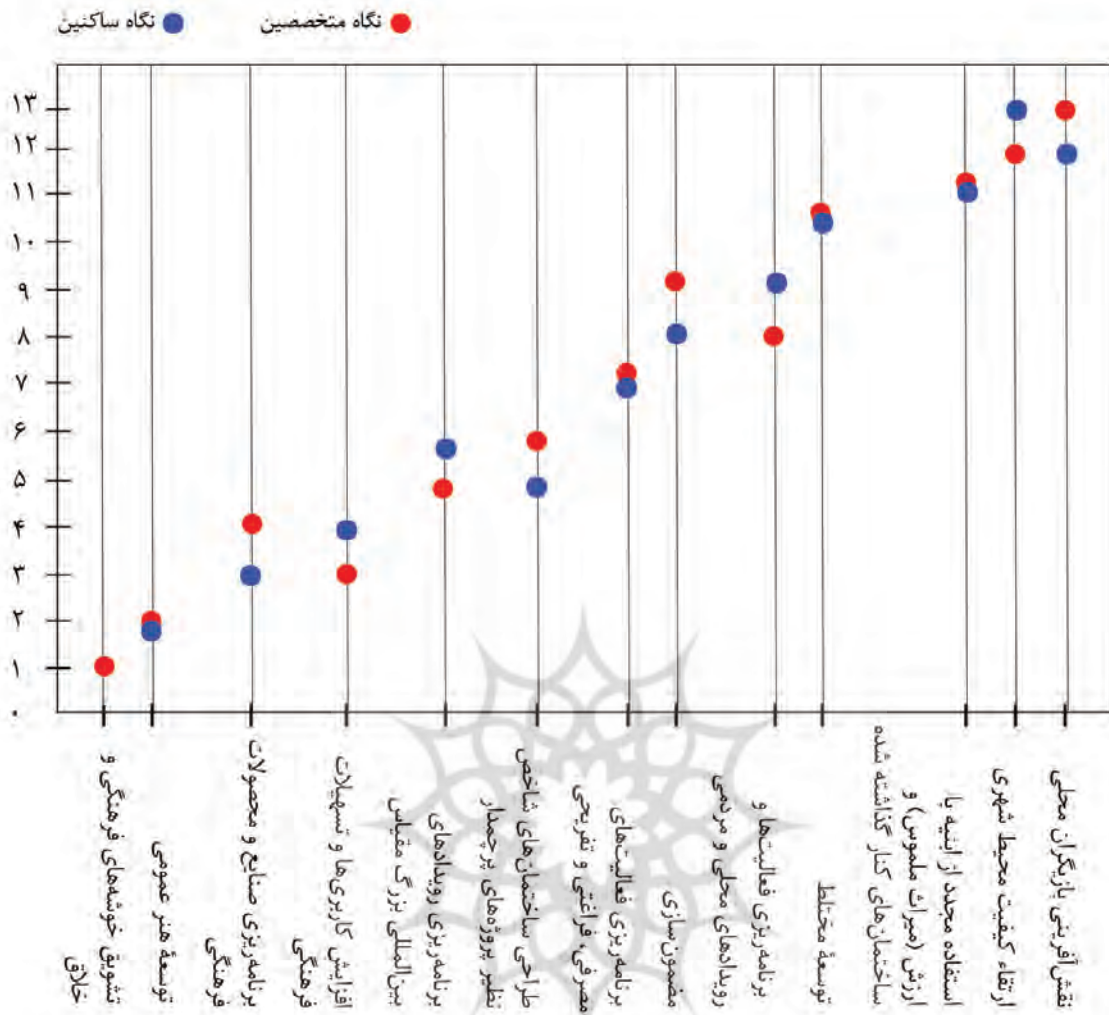
تصویر ۸. سنجش تصویر ذهنی ساکنین نسبت به اثرات پروژه‌های فرهنگ مینا. مأخذ: نگارندگان.

مداخله در محدوده تاریخی کرمانشاه از دریچه این چهار استراتژی که در گونه استراتژی‌های اجتماع محور هستند می‌تواند موفق باشد. نگاه به وضعیت موجود بافت تاریخی کرمانشاه و عدم وجود برنامه‌های تعریف‌شده برای آموزش و آگاهی‌دادن به مردم و سازمان‌یابی مشارکت‌های مردمی، سرانه بسیار پایین فضای سبز، غیر فعال بودن بسیاری از عناصر تاریخی موجود در محدوده (در حالی که ۲۱ اثر ملی میراث در محدوده وجود دارد)، وجود دیدگاه صرف اقتصادی ناشی از کاربری‌های تجاری در محدوده و نادیده گرفتن سایر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، به وضوح گویای جای خالی پرداختن به این استراتژی‌ها در محدوده است. سه استراتژی برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و رویدادهای محلی و مردمی، مضمون‌سازی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های مصرفی، فراغتی و تفریحی در دسته دوم اولویت قرار می‌گیرند. دسته سوم اولویت با کمترین میزان تأثیرگذاری شامل استراتژی‌های طراحی ساختمان‌های شاخص و امضادار

که مقدار کلی به دست آمده (۸۳٪) نشان‌دهنده روایی و اعتبار نظرات است.

نتایج اولویت‌بندی استراتژی‌های مؤثر در بازآفرینی فرهنگ مینا محدوده فیض‌آباد نشان می‌دهد که اولویت‌بندی به دست آمده از نظر ساکنین به اولویت‌بندی متخصصین جز چند مورد از جمله: مضمون‌سازی، ارتقاء کیفیت محیط شهری و برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و رویدادهای محلی و مردمی نزدیک است (تصویر ۹).

نتایج حاکی از آن است که به ترتیب استراتژی‌های «نقش‌آفرینی بازیگران محلی»، «ارتقاء کیفیت محیط شهری»، «استفاده مجدد از ابنیه باارزش (میراث ملموس) و ساختمان‌های کنار گذاشته شده» و «توسعه مختلط» مبتنی بر حوزه مفهومی اجتماع محوری می‌توانند بیشترین اثرگذاری را در بازآفرینی فرهنگ مینا محدوده پژوهش داشته باشند. این چهار استراتژی در دسته اول اولویت جهت آغاز فرایند بازآفرینی قرار می‌گیرند، بدین معنا که هرگونه برنامه



تصویر ۹. مقایسه استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا از نگاه ساکنین و متخصصین. مأخذ: نگارندگان.

این پروژه‌ها را می‌توان در عدم شناسایی دقیق استراتژی‌های مناسب جستجو کرد.

• مکانمند کردن استراتژی‌ها

نگاه به چهار استراتژی دارای اولویت نشان می‌دهد که سه استراتژی ارتقاء کیفیت محیط شهری، استفاده مجدد از ابنیه با ارزش و توسعه مختلط دارای ماهیتی مکانی هستند. شناسایی بناهای بارز از طریق اصول و معیارهای مد نظر نهادهای مرتبط با میراث فرهنگی صورت می‌پذیرد. اما در میان این بناها، میزان ارتباط با ساختار اصلی محله یکی از عوامل تأثیرگذار بر رونق آینده این بناهاست. در راستای دو استراتژی ارتقاء کیفیت محیط شهری و توسعه مختلط، مکانیابی فضاهای مناسب جهت اجرای این استراتژی‌ها از اهمیت دوچندانی برخوردار است. هرچند که روش‌های متنوعی برای مکانیابی براساس تعریف شاخص‌های

نظیر پروژه‌های پرچمدار و برنامه‌ریزی رویدادهای بین‌المللی بزرگ مقیاس از حوزه مفهومی رقابت‌محور و استراتژی‌های افزایش کاربری‌ها و تسهیلات فرهنگی، برنامه‌ریزی صنایع و محصولات فرهنگی، توسعه هنر عمومی و تشویق خوشه‌های فرهنگی و خلاق، از حوزه مفهومی خلاق‌محور است.

نتیجه تحلیل سنجش اولویت استراتژی‌ها نمایانگر آن است که در محدوده تاریخی کرمانشاه استراتژی‌های اجتماع‌محور بازآفرینی فرهنگ مبنا نقشی کلیدی در توسعه محدودده را دارا هستند. این نتیجه زمینه هدایت آگاهانه، هوشمندانه و کارا جهت سیاست‌های توسعه شهری در این محدوده را فراهم می‌آورد. نگاه به رویه فعلی در پروژه‌های محدوده‌های تاریخی کرمانشاه گویای عدم توجه به این استراتژی‌ها در پیشبرد فرایند توسعه شهری است و بخشی از عدم موفقیت

حالی که می‌توان با تغییر کاربری بناهای باارزش، از جمله سه خانه تاریخی موجود در محدوده هم‌پیوند (خانه تاریخی زردویی، صنیعی و حمام مشرف) در راستای بهبود عملکرد بافت قدم برداشت. محور ۱۲ متری شمالی-جنوبی نیز ظرفیت توسعه مختلط را داراست و در زمین‌های بایر موجود در محدوده می‌توان فضاهای شهری جدید همچون پارک، فضاهای همگانی چندمنظوره و ... ایجاد کرد.

نتیجه‌گیری

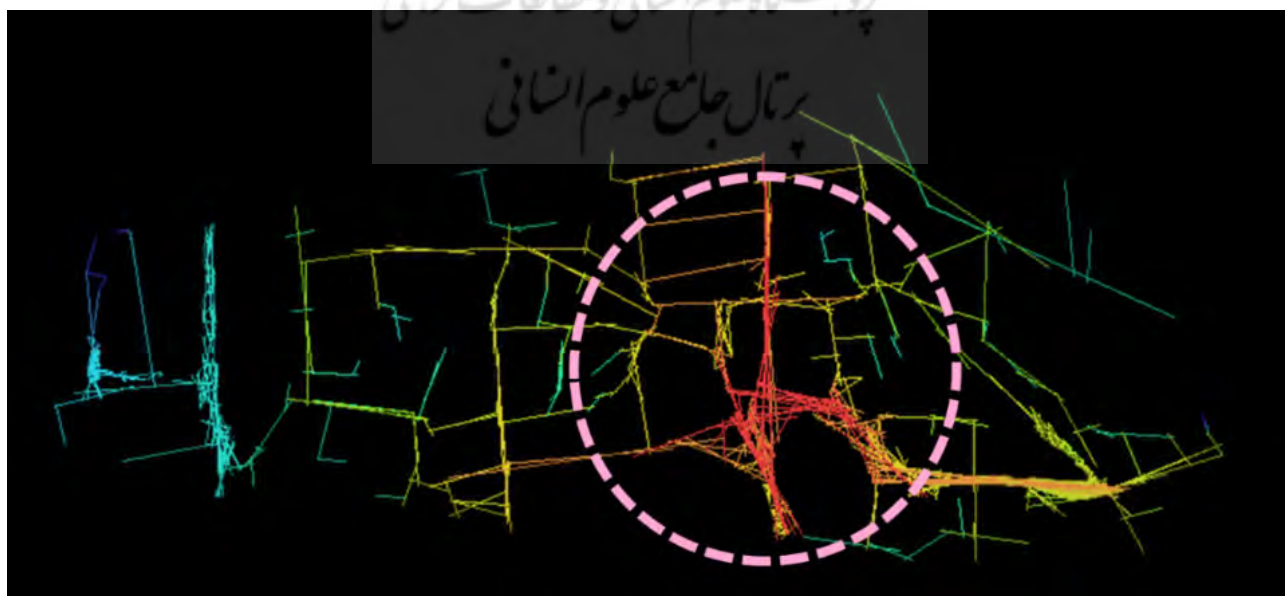
شهرهای ایران مبتنی بر ظرفیت تاریخی و فرهنگی خود بستر مناسبی جهت استفاده از رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا فراهم می‌کند. آنچه در ادبیات موجود این حوزه کمتر مورد توجه قرار گرفته، چگونگی انتخاب استراتژی‌های مناسب است. این پژوهش شهر تاریخی کرمانشاه را به عنوان نمونه گویای دیگر شهرهای ایران مورد بررسی قرار داده و روش‌شناسی جدیدی جهت یافتن استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مینا ارائه می‌دهد.

اساس این روش‌شناسی بر ارتباط بین تحلیل تفسیری-تاریخی، سنجش تصویر ذهنیت ساکنان از اقدامات پیشین بازآفرینی و اولویت‌سنجی استراتژی‌ها مبتنی بر نگاه ساکنین و متخصصین (مدیریت شهری، حرفه‌مندان، فعالان اجتماعی و دانشگاہیان) است. همچنین مدل ارائه شده جمع‌بندی استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مینا، بستر اولیه لازم در زمینه تصمیم‌سازی برای چگونگی مداخله در محدوده‌ای تاریخی را فراهم می‌آورد.

تحلیل تاریخی محدوده در کنار دیگر تحلیل‌ها نمایانگر آن

مختلف وجود دارد، اگر تنها ماهیت فرمی بافت را به عنوان پایه‌ای‌ترین زمینه در مکانیابی در نظر داشته باشیم، روش چیدمان فضا در شروع فرایند مکانیابی کمک‌کننده است. بر مبنای تئوری پایه این روش که حرکت طبیعی ناشی از چگونگی کنار هم قرارگرفتن فضاها در کنار یکدیگر است، به نوعی می‌توان گفت یافتن هم‌پیوندترین فضاها در این محدوده و تبدیل استراتژی‌های منتخب به برنامه‌ها و پروژه در این فضاها می‌تواند محرک توسعه در کلیت بافت باشد. تحلیل هم‌پیوندی زمینه اولیه لازم برای مکانیابی را فراهم آورده و هم‌پیوندترین مسیرها را ارائه می‌دهد که براساس بازدید میدانی و تحلیل کالبدی-عملکردی مسیرهای منتخب، مکان مناسب جهت اجرایی‌کردن استراتژی‌ها فراهم آید. طبیعتاً تحلیل‌های اجتماعی-اقتصادی می‌تواند این مکانیابی را غنی‌تر کند.

تحلیل هم‌پیوندی محله فیض‌آباد در نرم‌افزار depth map انجام شده است (تصویر ۱۰). مطابق تحلیل صورت گرفته میزان هم‌پیوندی در محورهای اصلی بافت (گذر حاجی مراد و محور ۱۲ متری شمالی-جنوبی) بیشتر است. با این وجود در اثر مداخلات انجام شده در حال حاضر بیشتر بناهای با ارزش موجود در محدوده همسایگی اراضی خالی و ساختمان‌های مخروبه هستند و مداخلات صورت گرفته، نه تنها باعث نوسازی بافت نشده بلکه چشم‌انداز زشت و نامناسبی را از بافت نشان می‌دهد. همچنین تسهیلات در نظر گرفته شده در این محورها جز خانه جلیلیان که به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اختصاص داده شده، از کیفیت لازم برای بهبود بافت برخوردار نیستند. در



تصویر ۱۰. نقشه هم‌پیوندی محدوده. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت‌ها

۱. Graeme Evans
۲. Culture-led regeneration
۳. Cultural regeneration
۴. Culture and regeneration
۵. Signature architecture
۶. Carl Grodach and Anastasia Loukaitou-Sideris
۷. Entrepreneurial strategies
۸. Creative class strategies
۹. Progressive strategies
۱۰. Luke Binns
۱۱. Cultural production
۱۲. Cultural consumption
۱۳. Community participation
۱۴. Ron Griffiths
۱۵. Promoting civic identity
۱۶. Cultural industries
۱۷. City boosterism
۱۸. Cultural anchors
۱۹. Signature buildings
۲۰. Cultural clusters

فهرست منابع

- افسری بجستانی، سپیده. (۱۳۹۵). تدوین چارچوب طراحی شهری در محدوده‌های فرهنگی-تاریخی مبتنی بر رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا (نمونه موردی: بافت تاریخی مشهد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- برومند سرخایی، هدایت‌الله. (۱۳۸۸). در جستجوی هویت شهری کرمانشاه. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- طرح ساماندهی بافت مرکزی شهر کرمانشاه. (۱۳۸۲). مهندسان مشاور تدبیرشهر.
- کلهرنیا، بیژن. (۱۳۸۰). تجربه‌های نوسازی و بهسازی بافت‌های قدیمی در کرمانشاه. هفت شهر، ۳۱(۳)، ۸۱-۸۸.
- لطفی، سهند. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۴۷(۴۵)، ۴۷-۶۰.
- Austin, T. (2012). *Culture-led City Regeneration: Design Methodologies*. Central Saint Martins College of Arts and Design. London: University of the Arts London.
- Bailey, C., Miles, S. & Stark, P. (2007). Culture-led urban regeneration and the revitalization of identities in Newcastle, Gateshead and The North East Of England. *International Journal of Cultural Policy*, 10(1), 47-65.
- Bassett, K. (1993). Urban cultural strategies and urban regeneration: a case study and critique. *Environment and Planning*, 25(12), 1773-1788.
- Bayliss, D. (2004). Creative Planning in Ireland: The Role of Culture-led Development in Irish Planning. *European Planning Studies*, 12(4), 497-515.
- Binns, L. (2005). *Capitalising on Culture: an Evaluation*

است که بناهای تاریخی مهمترین سرمایه‌های فرهنگی این محله بوده و حفاظت و احیا آن‌ها می‌تواند تأثیری بسزا در کیفیت زندگی آینده بافت داشته باشد. ترکیب این موضوع با تحلیل تجربه ساکنان از پروژه‌های فرهنگی نشان می‌دهد که انتخاب کاربری مناسب برای بناهای تاریخی اصلی اساسی در احیا بنا و تأثیرگذاری آن بر بافت است. کاربری جدید هر چه بیشتر با زندگی روزمره مردم و نیازهای ساکنان مطابقت داشته باشد، از موفقیت بیشتری برخوردار خواهد بود. خانه جلیلیان در این محدوده گواه روشنی بر این نتیجه است. در مجموع تحلیل پنج پروژه نشان می‌دهد که صرفاً بازسازی کالبدی بناهای تاریخی راهگشا نیست و هر بنا باید دارای برنامه‌ای مشخص برای نقش‌آفرینی در زندگی روزمره مردم باشد. طبیعتاً افزایش مشارکت اجتماعی در فرایند نوسازی مهمترین گام تأثیرگذار در این مسیر است.

رتبه‌بندی استراتژی‌ها در محدوده فیض‌آباد نشان از اولویت چهار استراتژی نقش‌آفرینی بازیگران محلی، ارتقاء کیفیت محیط شهری، استفاده مجدد از ابنیه باارزش (میراث ملموس) و ساختمان‌های کنار گذاشته شده و توسعه مختلط دارد. قابل توجه است که نظرات ساکنین و متخصصین در این زمینه بسیار به هم نزدیک بوده و این خود نمایانگر آن است که اگر در فرایند اجرای پروژه‌ها در این محدوده نظرات ساکنین اثرگذار بود، نتایج بهتری حاصل می‌شد.

استراتژی‌های دارای اولویت ماهیتی اجتماع‌محور و مکان مبنا دارند. بدین معنی که هنوز ظرفیت‌های لازم برای استراتژی‌های خلاق‌محور و رقابت‌محور در این شهر فراهم نیامده است. این موضوع با توجه به شدت تخریب‌ها در بافت محله فیض‌آباد قابل توجه است. بدین معنی که چنین بافت‌هایی در گام‌های آغازین بازآفرینی هستند.

نگاه به اقدامات کنونی نهادهای توسعه شهری در محدوده تاریخی کرمانشاه را می‌توان در تقابلی نسبی با استراتژی‌های فوق ارزیابی کرد. چنین پژوهش‌هایی می‌تواند در ترسیم مسیری روشن برای مدیریت شهری جهت مداخله در بافت تاریخی اثرات مثبتی داشته باشد.

گام بعدی در پژوهش‌های آتی مبتنی بر نتایج این پژوهش، تبدیل چهار استراتژی فوق به سیاست‌ها و برنامه‌های اقدام در محدوده تاریخی کرمانشاه است که می‌تواند راهنمای عمل نهادهای مدیریت شهری و مشارکت شهروندان باشد. فرایند طی شده در این پژوهش زمینه مناسبی جهت انجام پژوهش‌های آتی بازآفرینی فرهنگ مبنا در دیگر شهرهای ایران را فراهم می‌آورد و می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم‌سازی کارا در بازآفرینی شهرهای تاریخی ایران و زندگی روزمره مردم در محدوده‌های تاریخی - فرهنگی شهرهای ایران باشد.

of Culture-led Urban Regeneration Policy. Ireland: Dublin Institute of Technology.

- Cudny, W. (2014). Festivals as a subject for geographical research. *Geografisk Tidsskrift-Danish Journal of Geography*, 114(2), 132-142.
- Evans, G. & Shaw, P. (2004). *The Contribution Of Culture To Regeneration In The UK: A Review Of Evidence*. A report to the Department for Culture Media and Sport. London: London Met
- Evans, G. (2005). Measure for Measure: Evaluating the Evidence of Culture's Contribution to Regeneration. *Urban Studies*, 42(5-6), 959-983.
- Ferilli, G., Sacco, P. L., Blessi, T. G. & Forbici, S. (2016). Power to the people: when culture works as a social catalyst in urban regeneration processes (and when it does not), *European Planning Studies*, 25(2), 241-258.
- Griffiths, R. (1995). Cultural strategies and new modes of urban intervention. *Cities*, 12(4), 253-265.
- García, B. (2004). Cultural Policy and Urban Regeneration in Western European Cities: Lessons from Experience, Prospects for the Future. *Local Economy*, (19), 312.
- García, B. (2005). Deconstructing the City of Culture: The Long-term Cultural Legacies of Glasgow 1990. *Urban Studies*, 42(5-6), 841-868.
- Grodach, C. & Loukaitou-Sideris, A. (2007). Cultural Development Strategies And Urban Revitalization, A survey of US cities. *International Journal of Cultural Policy*, 13(4), 349-370.
- Gunay, Z. & Dokmeci, V. (2012). Culture-led regeneration of Istanbul waterfront: Golden Horn Cultural Valley Project. *Cities*, 29(4), 213-222.
- Hamnett, C. & Shoval, N. (2003). *Museums as 'Flagship' of Urban Development*. In *Cities and visitors: Regulating people, markets and city space*, edited by L. Hoffman, S. Fainstein, and D. Judd, 217-36. Malden, MA: Blackwell.
- Jones, P. & Evans, J. (2008). *Urban regeneration in the UK; Theory and practice*. London: Sage Publications Ltd.
- Keating, M. & De Frantz, M. (2004). Culture-led strategies for urban regeneration: a comparative perspective on Bilbao. *International Journal of Iberian Studies*, 16(3), 187-194.
- Landry, C. (2006). The art of city-making. *Australian Planner*, 43(4), 47-47.
- Lazarević, E. V., Koružnjak, A. B. & Devetaković, M. (2016). Culture design-led regeneration as a tool used to regenerate deprived areas. Belgrade—The Savamala quarter; reflections on an unplanned cultural zone. *Energy and Buildings*, (115), 3-10.
- Lee, C.H. (2012). *Culture-led regeneration: an opportunity for sustainable urban regeneration in Hong Kong?* HKU Theses

Online (HKUTO). Hong Kong: University of Hong Kong, Pokfulam, SAR.

- McCarthy, J. (2006). Regeneration of Cultural Quarters: Public Art for Place Image or Place Identity? *Journal of Urban Design*, 11(2), 243-262.
- Middleton, C. & Freestone, P. (2008). *The Impact of Culture-led Regeneration on Regional Identity in North East England*. Regional Studies Association International Conference, The Dilemmas of Integration and Competition Prague, Czech Republic.
- Mikulić, D. & Petrić, L. (2014). Can culture and tourism be the foothold of urban regeneration? A Croatian case study. *Original scientific paper*, 62(4), 377 - 395.
- Montgomery, J. (1995). The story of Temple Bar: Creating Dublin's Cultural Quarter. *Planning Practice and Research*, 10(2), 135-172.
- Mollenkopf, J. H. & Castells, M. (1991). *Dual city*. New York: Russell Sage Foundation.
- Northall, P. & Bradford, V. (2007). Culture Led Regeneration & Local Art Communities. *CLES*, 1-9
- Paiola, M. (2008). Cultural Events as Potential Drivers of Urban Regeneration: An Empirical Illustration. *Industry and Innovation*, 15(5), 513-529.
- Papanikolaou, P. (2012). The European Capital of Culture: The Challenge for Urban Regeneration and Its Impact on the Cities. *International Journal of Humanities and Social Science*, 2(17), 268-273.
- Park, G. (2014). *The role of cultural development in urban strategy: The Hub City of Asian Culture in Gwangju, Korea*. Thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy at the University of Leicester, School of Museum Studies. united kingdom: University of Leicester.
- Pastak, I. & Kahrik, A. (2016). The Impacts of Culture-led Flagship Projects on Local Communities in the Context of Post-socialist Tallinn. *Czech Sociological Review*, 52(6), 963-990.
- Rahbarianyazd, R. & Doratli, N. (2017). Assessing the contribution of cultural agglomeration in urban regeneration through developing cultural strategies. *European Planning Studies*, 25(10), 1714-1733.
- Ranjbar, E. & Afsari Bajestani, S. (2017). A cultural evaluation of the contemporary experiences of urban space regeneration in historic cities of Iran. REHAB2017. *3th International Conference on Preservation, Maintenance and Rehabilitation of Historical Building and Structure*, 621-635.
- Rius-Ulldemolins, J. (2014). Culture and Authenticity in Urban Regeneration Processes: Place Branding in Central Barcelona. *Urban Studies*, 51(14), 3026-3045.
- Sacco, P. L. & Blessi, T. G. (2009). The Social Viability of

Culture-led Urban Transformation Processes: Evidence from the Bicocca District, Milan. *Urban studies*, 46(5-6), 1115-1135.

- Safdari, S., Pourjafar, M.R. & Ranjbar, E. (2014). Culture led regeneration, grounds of promoting cultural interactions (Case Study: the historical context of Mashhad). *Haft Shahr, Journal of The Urban Development and Organization*, 4(47-48), 25-39.
- Santos, J. F. (2014). The Role Of Cultural Mega Events In The Enhancement Of City's Image Attributes: Differences Between Engaged And Attendee Participants. *The Clute Institute International Business & Education Conferences*, 444-1- 444-12.
- Sargent, J. (2006). *Culture at the Heart of Regeneration-A North East perspective*. Newcastle: Culture North East.
- Scott, A. J. (2000). *The cultural economy of cities: Essays on the geography of Image producing industries*. London: Sage.
- Skot-Hansen, D., Hvenegaard Rasmussen, C. & Jochumsen, H. (2013). The role of public libraries in culture-led urban regeneration. *New Library World*, 114(1/2), 7-19.

- Tavano Blessi, G. Tremblay, D-G. Sandri, M. & Pilati, T. (2012). New trajectories in urban regeneration processes: Cultural capital as source of human and social capital accumulation – Evidence from the case of Tohu in Montreal. *Cities*, 29(6), 397-407.
- Smith, M.K. (2006). *Tourism, culture and regeneration*. London: Cabi.
- Tomiuc, A. (2016). Development strategies and cultural policies in Romania. *The case of Cluj-Napoca*, (40), 145-165.
- Vickery, J. (2007). *The Emergence of Culture-led Regeneration: A policy concept and its discontents*. Coventry: University of Warwick.
- Wansborough, M. & Mageean, A. (2010). The Role of Urban Design in Cultural Regeneration. School of Planning and Landscape. *Journal of Urban Design*, 5(2), 181-197.
- Yiwei, W. (2009-2010). *Urban regeneration through culture-led creativity*. Milan: Polytechnic University of Milan.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

ابراهیمی قربانی، فرناز، رنجبر، احسان و عندلیب، علیرضا. (۱۴۰۰). شناسایی استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مینا در محدوده‌های تاریخی شهرهای ایران؛ مورد مطالعه: محله فیض‌آباد کرمانشاه. *باغ نظر*، ۱۸(۹۶)، ۱۰۵-۱۲۰.

DOI: 10.22034/bagh.2020.226057.4511

URL: http://www.bagh-sj.com/article_119680.html

